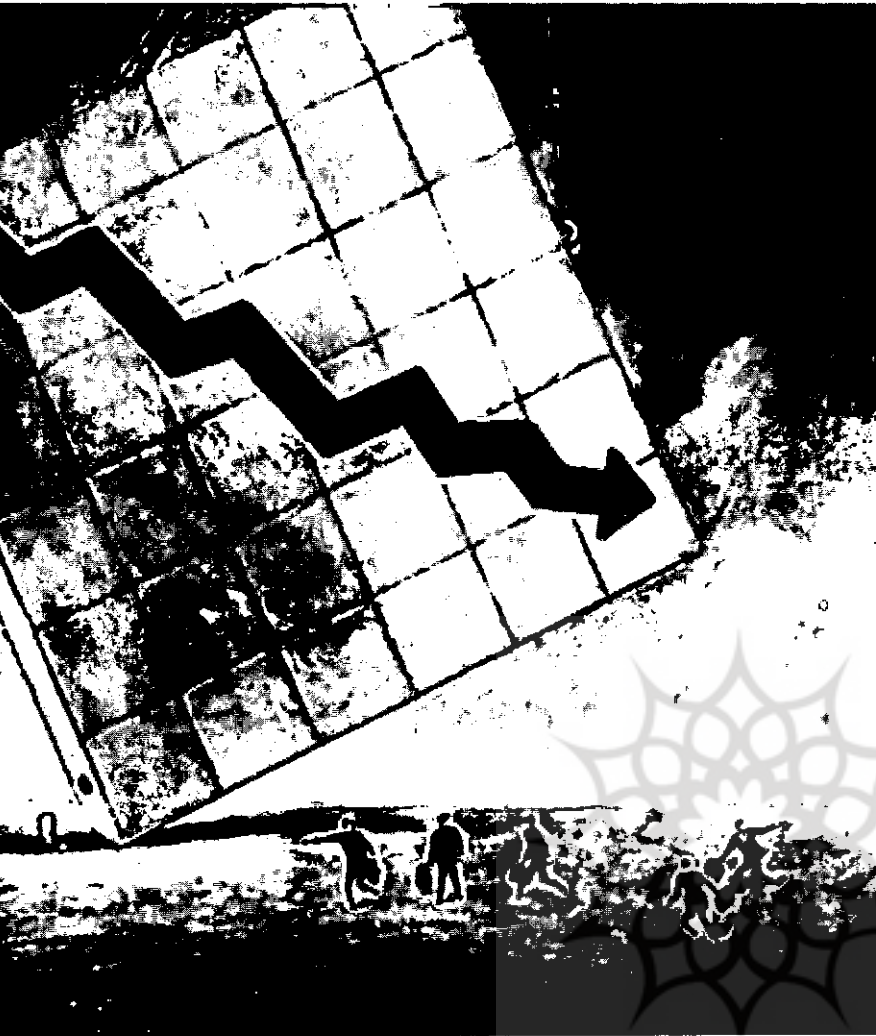


چالش بازررس و حسابرس



دوانی: ضمن تشکر از مجله بورس که صفحه خاصی را به این موضوع تخصص دادند و تشکر از استادان گرامی جناب اسکینی و رنگچیان امیدوارم گفتگوی امروز بتواند چالشهای موجود در این رابطه را مرتفع کند. همان طوری که می‌دانید در قانون تجارت ایران هیچ بحثی از «حسابرس» وجود ندارد و صرفاً در بخش ۷ مواد (۱۴۴ تا ۱۵۶) و ماده ۱۱۷ اصلاحیه اسفندماه ۱۳۴۷ قانون تجارت در مورد وظایف بازررس و شرایط انتخاب بازررس بحث شده است اما با تصویب ماده واحده استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی موضوع حسابرسی اهمیت ویژه‌ای یافته و برخی شرکت‌ها مکلف شده‌اند که حسابرسی مالی شوند.

ماده (۱) آئین‌نامه اجرایی تبصره (۴) قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی اشعار می‌دارد:

این روزها فصل برگزاری مجامع عمومی شرکت‌ها و به ویژه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است که بحث انتخاب بازررس قانونی و حسابرس نیز از دستور جلسه این مجامع است. با توجه به اهمیت موضوع و نقش حسابداران رسمی به عنوان بازررس و حسابرس، مجله بورس بر آن شد تا گفتگویی را با آقایان دکتر ربیعا اسکینی استاد دانشگاه و محمد رنگچیان وکیل برجسته که بیش تر شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری و بانک‌های خصوصی از نقطه نظرات مشورتی آنان استفاده می‌کنند و هم‌چنین آقای غلامحسین دوانی عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران به عمل آورد. توجه خوانندگان محترم را به این گفتگو جلب می‌کنیم.

برای شروع بحث از آقای غلامحسین دوانی خواهش می‌کنیم مدخل بحث را روشن کنند تا آقایان اسکینی و رنگچیان مبحث حقوقی موضوع را روشن کنند.



پذیرش در بورس اوراق
بهادار و شرکت‌های تابعه و
وابسته به آن‌ها،

ب- شرکت‌های سهامی
عام و شرکت‌های تابعه
و وابسته به آن‌ها،

ج- شرکت‌های موضوع
بندهای الف و ب ماده

(۷) قانون اساسنامه سازمان

حسابرسی یا رعایت ترتیبات مقرر

در تبصره یک ماده (۱۳۲) قانون محاسبات
عمومی،

هـ- شعب و دفاتر نمایندگی شرکت‌های
خارجی که در اجرای قانون اجازه ثبت شعبه
و نمایندگی شرکت‌های خارجی- مصوب
۱۳۷۶- در ایران ثبت شده‌اند،

و- موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و
شرکت‌ها، سازمان‌ها و موسسات تابعه و وابسته
به آن‌ها،

ز- سایر اشخاص حقوقی و حقیقی زیر که با
در نظر گرفتن عواملی از قبیل درجه اهمیت،
حساسیت و حجم فعالیت آن‌ها (میزان فروش
محصولات یا خدمات، جمع دارایی‌ها، تعداد
پرسنل و میزان سرمایه) و همچنین میزان ظرفیت
کاری موسسات حسابرسی و حسابداران رسمی،
مشخصات یا فهرست آن‌ها توسط وزارت امور
اقتصادی و دارایی تا پایان دی‌ماه هر سال اعلام
می‌شود.

اشخاص حقوقی
ذیل مکلفند حسب مورد
«حسابرس و بازرس قانونی»
یا «حسابرس» خود را از میان
موسسات حسابرسی که عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران
می‌باشند، انتخاب کنند

استفاده کرد.
از طرف دیگر اطلاعیه
شماره (۱) وزارت
امور اقتصادی و
دارایی در خصوص
الزام قانونی تسلیم
صورت‌های مالی
حسابرسی شده
اشخاص حقیقی و
حقوقی موضوع بند (ز) برای
عملکرد سال‌های ۱۳۸۴ به بعد تصریح

کرده:

«سایر اشخاص حقیقی و حقوقی (شامل
شرکت‌های سهامی خاص و سایر شرکت‌ها
و همچنین موسسات انتفاعی غیرتجاری،
شرکت‌ها و موسسات تعاونی و اتحادیه-
های آن‌ها و اشخاص حقیقی که طبق قانون
مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند) و
بر اساس آخرین اظهارنامه مالیاتی تسلیمی
خود جمع درآمد (فروش و یا خدمات)
آن‌ها بیش از مبلغ ۸ میلیارد ریال (در مورد
شرکت‌های پیمانکاری جمع ناخالص درآمد
صورت‌حساب شده هر سال آن‌ها بابت
پیمان‌های متعده بیش از مبلغ ۸ میلیارد ریال)
یا جمع دارایی‌های آن‌ها بیش از مبلغ ۱۶
میلیارد ریال باشد.»

(ماده ۱)

به منظور اعمال نظارت مالی بر واحدهای
تولیدی، بازرگانی و خدماتی و همچنین
حصول اطمینان از قابل اعتماد بودن
صورت‌های مالی واحدهای مزبور در برای
حفظ منافع عمومی، صاحبان سرمایه و دیگر
اشخاص ذی‌نفع، اشخاص حقیقی و حقوقی
به ترتیبی که در این آیین‌نامه معین می‌شود
از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران
رسمی شاغل و موسسات حسابرسی عضو
جامعه حسابداران رسمی ایران استفاده
خواهند کرد.

(ماده ۲)

اشخاص حقوقی ذیل مکلفند حسب مورد
«حسابرس و بازرس قانونی» یا «حسابرس» خود
را از میان موسسات حسابرسی که عضو جامعه
حسابداران رسمی ایران می‌باشند، انتخاب کنند:
الف- شرکت‌های پذیرفته شده یا متقاضی

توضیح:

۱- با عنایت به تبصره یک ماده

(۱۳۲) قانون محاسبات عمومی

کشور، سازمان حسابرسی به عنوان

حسابرس منتخب وزارت امور

اقتصادی و دارایی برای حسابرسی و

بازرسی قانونی بانک‌ها و شرکت‌های دولتی

که صددرصد (۱۰۰٪) سهام آن‌ها متعلق به

دولت، وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی است

تعیین می‌شود، سایر شرکت‌ها و موسسات

موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۷) قانون

اساسنامه سازمان حسابرسی مجاز به انتخاب

موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران

رسمی ایران و یا سازمان حسابرسی به عنوان

حسابرس و بازرس قانونی خود می‌باشند.

۲- طبق ماده (۳) آیین‌نامه فوق‌الذکر

صورت‌های مالی اشخاص حقوقی و حقیقی

موضوع بندهای (الف) تا (ز) فوق که حسب

مورد فاقد گزارش حسابرسی و بازرسی قانونی

۱- شرکت‌های سهامی خاص و سایر شرکت‌ها
و همچنین موسسات انتفاعی غیرتجاری،

۲- شرکت‌ها و موسسات تعاونی و اتحادیه‌های
آن‌ها،

۳- اشخاص حقیقی که طبق مقررات قانونی
مربوط، مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند.

تبصره ۱- اشخاص موضوع این ماده می‌توانند
از خدمات سازمان حسابرسی که تنها موسسه

حسابرسی دولتی می‌باشند، به عنوان «حسابرس
و بازرس قانونی» یا «حسابرس» خود حسب

مورد استفاده کنند.

تبصره ۲- ضوابط تشخیص شرکت‌های تابعه و
وابسته، با توجه به اصول و ضوابط حسابداری

موضوع بند ز ماده (۷) قانون اساسنامه سازمان
حسابرسی تعیین می‌شود.

تبصره ۳- با تعیین و اعلام وزارت امور اقتصادی
و دارایی می‌توان برای «حسابرسی و بازرسی

قانونی» یا «حسابرسی» اشخاص موضوع بند
ز این ماده، از خدمات حسابداران رسمی نیز

یا «گزارش حسابرسی» موضوع آیین نامه باشند در هیچ یک از وزارتخانه-ها، موسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و بیمه‌ها، موسسات اعتباری غیربانکی، سازمان بورس و اوراق بهادار و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی معتبر نبوده و به نفع اشخاص مذکور قابل استناد نخواهد بود.

با چنین مقدمه‌ای قانون‌گذار از «متن ماده واحده» هدف خاص حساب‌گیری و شفاف‌سازی داشته و مشخص است که در شرکت‌های سهامی (خاص و عام) باید بازرس اصلی و علی‌البدل و در سایر شرکت‌ها (که طبق قانون تجارت دارای رکنی به نام بازرس قانونی نیستند) باید حسابرس خود را از میان اعضای جامعه حسابداران تعیین کنند. بدیهی است که با چنین تعریفی یک موسسه حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی نمی‌تواند حسابرسی شرکت سهامی را بپذیرد که موسسه متبوع وی بازرس اصلی آن نباشد و یا بالعکس نمی‌توان تصور کرد که بازرس اصلی یک شرکت مشمول قانون ماده واحده استفاده از خدمات تخصصی... و آئین‌نامه-های اجرایی آن یک شخص حقیقی غیرعضو جامعه حسابداران رسمی و بازرس علی‌البدل آن عضو جامعه حسابداران باشد. در همین رابطه علاقه‌مندم آقایان دکتر اسکینی و رنگچیان هم در این رابطه نظریات خود را بیان کنند به ویژه آن‌که ظاهراً برخی افراد در تفسیر عبارت اشخاص حقوقی ذیل مکلفند «حسب مورد حسابرس و بازرس قانونی» یا «حسابرس» خود را از میان موسسات حسابرسی... دچار ابهام و بعضاً اجتهاد شخصی شده و مدعی شده‌اند که گویا چنانچه یک موسسه حسابرسی به عنوان بازرس اصلی انتخاب شود دیگر یکی از شرکای آن نمی‌تواند بازرس علی‌البدل باشد و یا اینکه گویا می‌توان موسسه حسابرسی را به عنوان بازرس اصلی و شخص حقوقی دیگری را به عنوان بازرس علی‌البدل معرفی کرد.

جناب اسکینی اگر ممکن است بفرماید که با توجه به متن ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی، «حسب مورد» به نوع شرکت باز می‌شود یا به تفکیک «بازرس و حسابرس».

دکتر اسکینی- برای پاسخ دادن به سوال اول لازم است ابتدا سوال مزبور قدری روشن‌تر بیان

ضوابط تشخیص شرکت‌های تابعه و وابسته، با توجه به اصول و ضوابط حسابداری موضوع بند ۲ ماده (۷) قانون اساسنامه سازمان حسابرسی تعیین می‌شود

شود. در واقع سوال این است که آیا ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی تبصره (۴) قانون استفاده از خدمات تخصصی می‌تواند مجوز الزام تعیین بازرس برای شرکت‌هایی باشد که در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ برای آن‌ها الزام به داشتن بازرس مقرر نشده است. (مثل شرکت‌های تضامنی، با مسئولیت محدود، نسبی...)?

پاسخ البته- منفی است. زیرا نه قانون استفاده از خدمات تخصصی... چنین الزامی را مقرر کرده است و نه آیین‌نامه آن، در واقع، بند ج از ماده واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی در مورد شرکت‌های غیرسهامی هیچ اشاره‌ای به این نمی‌کند که علاوه بر حسابرسی بازرسی این شرکت‌ها نیز باید از میان حسابداران رسمی باشد، این در حالی است که قانون‌گذار در بند الف و ب ماده واحده مزبور هم از «حسابرسی» صحبت می‌کند و هم از «بازرسی».

این دقت قانون‌گذار به‌خاطر آن است که شرکت‌های غیرسهامی اصولاً به موجب قانون تجارت مکلف به داشتن «بازرس» نیستند، بنابراین در بند ج از ماده واحده تنها به الزام انتخاب حسابرس توسط شرکت بسنده شده و به انتخاب بازرس اشاره‌ای نشده است.

بنابراین شرکت‌های نوع اخیر الزامی به انتخاب بازرس ندارند و اگر هم بخواهند بازرس برای شرکت انتخاب کنند تکلیفی به انتخاب بازرس از میان جامعه حسابداران رسمی ندارند. هر چند که مکلفند حسابرس خود را از میان اعضای این جامعه انتخاب کنند. اگر «حسابرسی» و «بازرسی» را دو امر جداگانه تلقی کنیم شرکت‌هایی که تکلیف به داشتن بازرس به موجب قانون ندارند می‌توانند حسابرس و بازرس جدا داشته باشند.

جناب رنگچیان آیا از متن ماده ۶۱ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی می‌توان استنباط کرد که یک موسسه حسابرسی و یکی از شرکای آن به ترتیب به عنوان بازرس قانونی و علی‌البدل نمی‌توانند انتخاب شوند؟

رنگچیان- با عنایت به اینکه وظایف بازرس و علی‌البدل ادامه وظایف بازرس و حسابرس قانونی است و مشارالیه همان خدماتی را ارائه می‌دهد که بازرس قانونی انجام می‌دهد است و از طرفی فرض استفاده از خدمات بازرس و علی‌البدل جزئی از خدمات موسسه حسابرسی که سمت بازرس و حسابرس قانونی شرکت

را دارد محسوب و این مهم به عنوان بخشی از خدمات موسسه یاد شده لحاظ شده است بنابراین نه تنها فرض ارائه خدمات مستقل از سوی شریکی که چنین سمتی را پذیرفته است متصور نیست بلکه تقبل این سمت به نوعی جزء و در ادامه ارائه خدمات موسسه حسابرسی محسوب می‌شود. بنابراین پذیرش چنین سمتی (بازرس علی‌البدل) از سوی شرکای موسسات حسابرسی مورد بحث نه تنها در تعارض با مفاد ماده ۶۱ اساسنامه جامعه حسابرسی نیست بلکه از این برای هم‌سویی منطقی نیز دارد.

آقای دکتر اسکینی چنانچه جنابعالی هم در این ارتباط توضیحاتی دارید بفرمایید:

پاسخ به این سوال مستلزم ذکر دقیق ماده ۶۱ اساسنامه جامعه حسابداران است، به موجب این ماده: «حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و یا موسسات حسابرسی و یا در نزد سایر حسابداران رسمی ارائه‌دهنده خدمات حرفه‌ای مستقل، مجاز به ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای مستقل از سازمان و موسسات و اشخاص یاد شده نیستند و عدم مراعات حکم مذکور، تخلف محسوب می‌شود.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ماده مزبور اشخاص زیر را از انجام خدمات تخصصی و حرفه‌ای (حسابرسی و یا بازرسی) مستقل از سازمان و موسساتی که اشخاص مزبور در آن‌ها کار می‌کنند منع کرده است:

- ۱- حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی.
- ۲- حسابداران رسمی شاغل در موسسات حسابرسی.
- ۳- حسابداران رسمی شاغل در نزد سایر حسابداران رسمی.

در ماده مزبور دو اصطلاح به کار گرفته شده که باید مفهوم آن‌ها روشن شود. اصطلاح «شاغل» و اصطلاح «مستقل».

اصطلاح «شاغل» قطعاً حسابدارانی را در بر می‌گیرد که به عنوان «کارمند» و به عبارت حقوقی‌تر کلمه به عنوان «کارگر» موسسه عمل می‌کنند و مفهوم «مستقل» این است که آن‌ها به نام و حساب خود عمل می‌کنند. جمع این دو اصطلاح این نتیجه را می‌رساند که ممنوعیت منعکس در ماده ۶۱ شامل کسانی است که از موسسه حقوق و دستمزد دریافت می‌کنند، و با موسسه ارتباط آمر و مأموری دارند. این چنین اشخاصی فقط می‌توانند به نام و حساب موسسه به ارائه خدمات تخصصی و حرفه‌ای مبادرت کنند و به نام و حساب خود نمی‌توانند عمل کنند

اصطلاح «شاغل» قطعاً حسابداری را در بر می گیرد که به عنوان «کارمند» و به عبارت حقوقی تر کلمه به عنوان «کارگر» موسسه عمل می کند و مفهوم «مستقل» این است که آن‌ها «به نام و حساب خود» عمل می کنند

نتیجه این استدلال این است که اصولاً چنین کارمندانی نمی توانند به نام و حساب خود بازرسی شرکتی شوند؛ چه موسسه آن‌ها بازرسی اصلی همان شرکت باشد و آن‌ها بازرسی علی‌البدل و

چه موسسه آن‌ها اصلاً بازرسی نباشد و آن‌ها بخواهند بازرسی باشند.

اما سؤالی که مطرح می شود این است که ضمانت اجرای ماده ۶۱ چیست؟ آیا شرکت‌هایی که باید برای خود بازرسی انتخاب کنند می توانند بازرسی خود را از میان حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی یا موسسات حسابرسی و یا شاغل نزد سایر حسابداران رسمی انتخاب کنند؟

پاسخ این سوال مثبت است. در واقع ضمانت اجرای ماده ۶۱ مورد نظر تخلف حسابدار است که با وجود آن‌که شاغل در موسسه‌ای است، معذک کار بازرسی یک شرکت را به طور مستقل می پذیرد که خدمتی تخصصی و حرفه‌ای است. اما مفهوم این ماده این نیست که عمل انتخاب بازرسی توسط شرکت باطل است. به عبارت دیگر، انتخاب یک حسابرس رسمی شاغل به عنوان بازرسی شرکت فی نفسه مشکل قانونی ندارد. تنها مشکلی که ایجاد می شود این است که چنین حسابرسی قابل تعقیب است زیرا به حکم ماده ۶۱، او مرتکب تخلف شده است.

جناب آقای دکتر اسکینی به طور مشخص آیا ماده (۶۱) مانع از این است که شرکت‌ها بتوانند موسسه‌ای را به عنوان بازرسی اصلی و شریک موسسه را به عنوان بازرسی علی‌البدل معین کنند؟

پاسخ این سوال منفی است. در واقع «شریک موسسه» با «کارمند موسسه» که ماده ۶۱ از او به «شاغل» تعبیر می کند تفاوت دارد. شریک شخصیت مستقلی از موسسه حسابرسی دارد و بنابراین می تواند به نام و حساب خود عمل کند. به عبارت روشن تر شریک موسسه از موسسه حقوق دریافت نمی کند تا «شاغل» در موسسه تلقی شود و چون شاغل تلقی نمی شود مشمول محدودیت ماده ۶۱ نمی شود. معذک، اگر شریک موسسه در عین حال کارمند موسسه باشد یعنی تنها به نام و حساب موسسه عمل کند، مشمول ممنوعیت موضوع ماده اخیر است.

در این صورت کارمند نه می تواند بازرسی

علی‌البدل شرکتی شود که موسسه بازرسی اصلی آن است و نه بازرسی شرکتی دیگر زیرا حق انجام امور حرفه‌ای مستقل از موسسه ندارد.

جناب رنگچیان در بخشنامه سازمان امور مالیاتی برای برخی شرکت‌هایی که طبق قانون تجارت فاقد رکنی به نام بازرسی هستند عبارت «حساب مورد بازرسی قانونی و حسابرس» بکار برده شده است اگر امکان دارد کمی درباره دایره شمول «حساب مورد» توضیح دهید.

از آنجا که فرض تعیین بازرسی قانونی برای برخی از اشخاص موضوع ماده ۲ آیین‌نامه اجرائی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران رسمی ذی صلاح به عنوان حسابدار رسمی اصولاً متصور نیست. برای نمونه می توان به اشخاص موضوع بندهای «۵۵» و «۵۷» اشاره کرد. بنابراین «حساب مورد» معطوف به نوع اشخاص «انعم از حقیقی و حقوقی، شعبه و نمایندگی و غیره می باشد» و نه «بازرسی و حسابرس قانونی» و «حسابرس».

جناب اسکینی به صورت جمع‌بندی در مورد سوالات فوق توضیحاتی بیان فرمائید.

عبارت «حساب مورد» منعکس در بند «ز» از ماده (۲) آیین‌نامه اجرائی تبصره (۴) قانون استفاده از خدمات تخصصی ناظر به اشخاص حقوقی و حقیقی است که باید یا نباید بازرسی داشته باشند و آیین‌نامه و قانون اخیرالذکر الزام نمی کند که چه شرکت‌هایی باید و چه شرکت‌هایی نباید بازرسی داشته باشند. این نکته اخیر را قانون تجارت معین کرده است.

انتخاب شریک یک موسسه حسابرسی به عنوان بازرسی علی‌البدل در حالی که موسسه‌ای که شریک در آن دارای نفع است بازرسی اصلی است منع قانونی ندارد و به خصوص مخالف ماده (۶۱) اساسنامه جامعه حسابداران نیست. **جناب دوانی چنانچه مورد دیگری می تواند مورد بحث قرار گیرد بفرمایید.**

دوانی - در دو سال اخیر سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان مقام ناظر بازار و به استناد قانون جدید بازار سرمایه عملاً به حوزه قانون تجارت در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس وارد شده و به طور نمونه مهلت پذیره نویسی افزایش سرمایه شرکت‌های بورسی را از ۶۰ روز به ۳۰ روز و یا الزام به ارائه صورت‌های مالی تلفیقی

گروه برای برخی از شرکت‌های سرمایه گذار و یا ایجاد محدودیت در افزایش سرمایه و تقسیم سود کرده است. برخی از دوستان معتقدند تفسیر سازمان بورس اوراق بهادار از ماده ۲۳ قانون مبنی بر زمان سی روزه مهلت برای عرضه عمومی اوراق عرضه اولیه شرکت‌های سهامی عام، مبتنی بر توسعه آن به حق تقدم اوراق پذیرفته شده در بورس که منشاء اختلاف شده است، برخلاف ماده ۱۶۶ و سایر موارد تابع آن در قانون تجارت است. زیرا اگر چه این قانون لاحق و خاص است و بنا بر عرف حقوقی بر قانون تجارت باشد ارجحیت دارد، اما این امر باید بر مبنای مصداق واحد باشد.

زیرا اوراق حق تقدم به موجب قوانین مالک خاص دارد و مالکان آن همان سهام‌داران قبلی شرکت هستند که بنا بر اراده خود می توانند از حق خود استفاده کنند و یا آن را از طریق بورس به سایر افراد خواهان واگذار کنند. در نتیجه شامل تعریف عرضه اولیه تشکیل شرکت نمی شوند. زیرا با تدقیق در تعریف عرضه عمومی و اعلامیه پذیره نویسی که در ماده (۱) قانون بازار اوراق بهادار ذکر شده مشخص می شود که مدت سی روزه مندرج در تبصره یک ماده (۲۳) قانون ناظر به مواد ۹ و ۱۷۸ قانون تجارت یعنی مصداق واگذاری سهام جدید به اشخاص غیر سهام‌دار است نه سهام‌داران آن.

از سوی دیگر عده‌ای اعتقاد دارند که سازمان بورس مشابه یک باشگاه می تواند برای عضویت علاقه‌مندان به ورود به باشگاه مقررات خاصی را که مغایر قانون اساسی نباشد تدوین کند و یا به تعبیری به استناد ماده (۱۰) قانون مدنی هرگونه توافق و قراردادی بین افراد به شرط آن‌که ناقض قانون نباشد معتبر است.

اگر آقای رنگچیان در این ارتباط توضیحاتی بفرمایند سپاس گزار خواهیم شد.

تبصره (۱) ماده (۲۳) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در مقام تعریف مدت قانونی برای عرضه عمومی اوراق بهادار است. در حالی که حق تقدم از حقوق صاحبان سهام است و ارتباطی به عموم ندارد. به عبارت دیگر عرضه عمومی در حق تقدم موضوعیت ندارد. بنابراین به نظر می رسد تبصره (۱) ماده (۲۳) ناسخ مقررات ناظر بر مدت استفاده از حق تقدم نیست.

بورس - مجدداً از اینکه وقت خود را در اختیار این مجله گذارده‌اید سپاس گزاریم و امیدواریم در آینده هم بتوانیم از نظرات شما استفاده کنیم.

